

تحلیل بصری نقش سریر پادشاهی در نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۲۴-۱۰۳)

فرزانه فرخ فر، لیلا میرشاهی^۲

۱- دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور. (نویسنده مسئول)

۲- دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور.

DOI: 10.22077/NIA.2024.6266.1719

چکیده

موضوع جلوس پادشاهان، به دلیل جذابیت‌های روایی و بصری خاصش، در اغلب شاهنامه‌های مصور مورد توجه نگارگران بوده و با کیفیت‌های متنوع به تصویر کشیده شده است. شاهنامه تهماسبی، یکی از مهم‌ترین نسخی است که به تصویرسازی این مجلس توجه ویژه‌ای داشته و از سریرهای پادشاهی به عنوان نمادی از فر و عنصر بصری خاص در تبیین جایگاه پادشاه به خوبی بهره گرفته است. هدف از این پژوهش در گام نخست، شناسایی ویژگی‌های بصری نقوش سریر پادشاهی در شاهنامه تهماسبی و پس از آن تبیین میزان همگامی تصویر با متن است. پرسش این است: در تحلیل وجوه بصری نقش سریر پادشاهی در شاهنامه شاه تهماسبی چه ویژگی‌هایی مشهود است؟ ماهیت این تحقیق توسعه‌ای است و از روش تاریخی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی بهره گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که گوناگونی نقوش و ترکیب‌بندی قرینه، با غلبه نقش‌مایه‌های تزئینی، از ویژگی‌های عمده نقوش سریر پادشاهی در شاهنامه تهماسبی است. در شیوه بازنمایی نقوش سریر تنوع قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که این امر بر مبنای شواهد موجود از تفاوت در شرح و توصیف پادشاهان در متن ادبی شاهنامه نشأت می‌گیرد؛ هرچند در برخی موارد توصیفی از سریر در متن نیامده و هنرمند با تخیل خود آن را ترسیم کرده است.

واژه‌های کلیدی: عصر صفوی، مکتب نگارگری تبریز، شاهنامه تهماسبی، سریر پادشاهی.

1- Email: farrokhsfar@neyshabur.ac.ir

2- Email: layla.mirshahi@gmail.com

** این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر با عنوان «فرم‌شناسی نقش سریر پادشاهی در نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی» است که توسط نویسنده دوم و به راهنمایی نویسنده اول در تابستان ۱۳۹۸ در دانشگاه نیشابور به انجام رسید.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین متون ادب حماسی که تقریباً در اکثر مکاتب مهم و برجسته نگارگری ایرانی مورد توجه بوده، شاهنامه فردوسی است. به‌رغم ویژگی‌های ثابت در مصورسازی مجالس مختلف شاهنامه، تنوع در شیوه بازنمایی و رویکردهای متفاوت هنرمندان مکاتب مختلف در تصویرگری عناصر بصری و بیان مضمون وجود دارد. در مکتب نگارگری تبریز دوم که در عصر صفوی و اوایل قرن دهم هجری شکل گرفت و با حمایت گسترده دربار و حضور هنرمندان زبده و توانمند در کتابخانه سلطنتی همراه بود، برخی از شاخص‌ترین نسخ مصور آن روزگار خلق شد. از نسخ مصور این مکتب، می‌توان شاهنامه شاه‌تهماسبی را نام برد که در میان شاهنامه‌هایی که به فرمان شاهان تدوین شده و تا امروز در دست است، هیچ‌یک از نظر عظمت، در مقیاس این شاهنامه نیست. نقش سریر پادشاهی که مدنظر این پژوهش است، با تعدد و تنوع بسیار در شاهنامه تهماسبی مصور شده است و خوانش آن‌ها، مسیر جدیدی را در باب مطالعات بین‌رشته‌ای هنر، ادبیات و علوم انسانی می‌گشاید. این پژوهش، قصد دارد روی یکی از مظاهر کمتر معرفی شده فرهنگ و هنر عصر صفوی؛ یعنی «سریر پادشاهی»، مطالعه و تحلیل تطبیقی انجام دهد. با توجه به اینکه تخت پادشاهی یا «سریر» نمادی شکوهمند از سلطنت محسوب می‌شده، بررسی گونه‌های آن، بستر مناسبی برای شناخت یکی از مهم‌ترین ابزارآلات شاهانه است که امروزه کمتر اطلاعاتی از آن موجود است. فرم‌شناسی و کشف ویژگی‌های بصری در انواع نقش سریر پادشاهی و شناسایی ارتباط متن ادبی شاهنامه و تصویر در سریرهای پادشاهی بازنمایی شده در نگاره‌های نسخه شاهنامه شاه‌تهماسبی از اهداف این پژوهش است. پرسش این است: در فرم‌شناسی نقش سریر پادشاهی در شاهنامه شاه‌تهماسبی چه ویژگی‌هایی مشهود است و نگارگر شاهنامه تهماسبی در شیوه بازنمایی نقش سریر پادشاهی تا چه میزان به متن ادبی شاهنامه وفادار بوده و جایگاه و طبقه اجتماعی پادشاه را نمایش داده است؟ مطالعات مقدماتی، این فرضیات را مطرح می‌کند که گوناگونی فرم و ترکیب‌بندی قرینه، با غلبه نقش مایه‌های تزئینی، از ویژگی‌های نقش سریر پادشاهی موجود در شاهنامه تهماسبی است. به نظر می‌رسد

در شیوه بازنمایی نقش سریر پادشاهی در نسخه شاهنامه تهماسبی تنوع قابل‌ملاحظه‌ای وجود داشته باشد که احتمالاً این امر از تفاوت‌های موجود در شرح و توصیف پادشاهان در متن ادبی شاهنامه نشأت می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

جست‌وجوهای کتابخانه‌ای، نشان از آن دارند که در مورد سریر پادشاهی مطالعات زیادی صورت نگرفته است. در میان منابع یافت‌شده، بخشی از کتاب "Shahnama Of Shah Tahmasp"، به بررسی ویژگی‌های بصری سریر در نگاره‌های این شاهنامه و شکل و فرم انواع سریر و کاربرد آن پرداخته و تنها به این نتیجه بسنده کرده که ساختار بدنه، تزئینات و شکل هر سریر با دیگری متفاوت است (Canby 2014:39-41). از آنجاکه در این کتاب همه سریرها به صورت کلی بررسی شده و بیش از فرم‌شناسی سریر، طریقه نشستن فرد بر روی تخت مطرح بوده، پاسخگوی سؤالات مورد نظر نیست. در منبعی دیگر با عنوان «تحلیل نشانه‌معناشناختی جایگاه سریر در نگاره‌های ایرانی دوران اسلامی و ارتباط آن با مبلمان معاصر»، نویسنده به بررسی سریر در نگارگری ایران و سیر تحول آن تا رسیدن به مبلمان امروزی پرداخته و به این نتیجه رسیده که سریرها در کل دوران پادشاهی ایران از جایگاهی اسطوره‌ای، مقدس، ارزش‌ساز و مشروعیت‌بخش از نظر دینی، اجتماعی و تاریخی برخوردار بوده و پس از نظام‌های حکومتی پادشاهی کارکرد خود را از دست داده و به ایزه‌های موزه‌ای تبدیل شده‌اند؛ ولی هنوز بسیاری از معناسازی‌های پنهان خود را به سبک‌هایی از مبلمان معاصر بخشیده و براساس طبقه اجتماعی و بحث سلیقه در سبک زندگی معاصر معناسازی می‌کنند (احمدی ۱۳۹۴). این پژوهش نیز ارتباطی با سریرهای شاهنامه تهماسبی ندارد و از این جهت پاسخ مناسبی برای پرسش‌های ما نخواهد داشت. در «بررسی تطبیقی ویژگی‌های هنری بین مبلمان سنتی (با تأکید بر صفویه) و مبلمان فرنگی (دوران قاجار)»، نویسنده به بررسی تطبیقی ویژگی‌های هنری بین مبلمان سنتی و فرنگی پرداخته است (رضایی جواهری ۱۳۹۳)؛ ولی با وجود اینکه در مبلمان سنتی بر مبلمان صفویه تأکید داشته است، به تحلیل مبلمان شاهنامه نپرداخته است.

چهارچوب نظری و روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش تاریخی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و از حیث روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای-اسنادی است. هدف آن است تا محتوای ادبی سریر پادشاهی در متن شاهنامه تهماسبی واکاوی شود و نحوه بازنمایی و ویژگی‌های فرمی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. حوزه مطالعات این پژوهش را متن ادبی شاهنامه فردوسی و تمامی تصاویر موجود از «تخت‌های پادشاهی» در شاهنامه تهماسبی (عصر صفویه، نیمه نخست قرن دهم هجری) تشکیل می‌دهند. تعداد این سریرها ۵۵ عدد از ۲۲ شاه مختلف است که با استناد به کتاب شاهان: شاهنامه شاه‌تهماسب (Thames & Hudson 1972) شناسایی شده است. از آنجا که صنایع دستی، منسوجات و سایر نمونه‌های هنرهای تزئینی به‌ندرت از نیمه نخست عصر صفوی به جا مانده، نسخه شاهنامه تهماسبی، یکی از برجسته‌ترین اسناد موجود از دوره آغازین عصر صفوی است که قابلیت خوانش اطلاعات فرهنگی-هنری آن دوره را فراهم می‌کند. به دلیل سفارشی‌بودن، تنوع و گستردگی انواع سریرها و کیفیت بالای نگارگری شاهنامه شاه‌تهماسب، این شاهنامه بهترین گزینه برای بررسی سریر در نگارگری محسوب می‌شود. از جلوه‌های خاص شاهنامه شاه‌تهماسبی، می‌توان به دقت و تنوع در بازنمایی سریر پادشاهی اشاره کرد که تقریباً بخش مهمی از روایات پادشاهان و بزرگ‌زادگان ذکر شده در متن ادبی را شامل می‌شود. سریر در شاهنامه فردوسی آن‌چنان اهمیتی دارد که کلمه «تخت پادشاهی» و یا «تاج و تخت» برای اشاره به اصل حکومت پادشاهی نیز به کار می‌رود. گوناگونی این سریرها، شیوه‌های مختلف آرایش و تزئین آن‌ها و فقدان مطالعات کافی بر روی این موضوع، ضرورت انجام این پژوهش را دوچندان می‌کند.

۱. شاهنامه تهماسبی

یکی از مهم‌ترین نسخ شاهنامه دوره صفوی، نسخه‌ای موسوم به شاهنامه تهماسبی است که تاریخ کتابت آن احتمالاً سال ۹۲۸ ه.ق. و در دوره سلطنت شاه‌اسماعیل آغاز شده؛ ولی بیشتر کتاب در دوره سلطنت شاه‌تهماسب اول کامل شده است. این شاهنامه دارای ۱۰۰۶ صفحه و ۲۵۸ نگاره است که گفته می‌شود ۱۵ نقاش معروف از جمله سلطان محمد، آقامیرک، میرزاعلی،

مطالعاتی که تاکنون درباره تصویرسازی شاهنامه تهماسبی انجام شده بیشتر به کلیت تصویر و جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن معطوف است و به‌ندرت به شیوه بازنمایی جزئیات در ابزارآلات، از جمله سریر پادشاهی توجه شده است؛ به‌طور مثال می‌توان به مقاله‌ی نیک‌روز و احمدیانی (۱۳۹۳) با عنوان «شیوه‌های شخصیت‌پردازی در شاهنامه فردوسی» اشاره کرد. همچنین مقاله «بررسی مکتب نگارگری تبریز دوره صفوی با استفاده از نگاره‌های شاهنامه شاه‌تهماسب» اثر یزدان‌پناه و دیگران (۱۳۸۹) به بررسی ویژگی‌های مکتب نگارگری تبریز با توجه به شاهنامه‌ی تهماسبی می‌پردازد و اشاراتی کلی به ویژگی‌های تصویرگری نسخه دارد؛ اما پاسخی برای مسئله پژوهش حاضر محسوب نمی‌شود. مقاله «شاهنامه شاه‌تهماسبی، شاهکار مصورسازی» نوشته فاطمه صداقت (۱۳۸۵) با وجود تمرکز موضوعی، محتوایی و تکنیکی بر نگاره‌های شاهنامه شاه‌تهماسبی، به مسئله‌ی تصویرسازی سریر نپرداخته است.

اغلب کتاب‌های تاریخ نگارگری ایران، همچون نگارگری ایران نوشته یعقوب آژند (۱۳۹۲)، نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز اثر پاکباز (۱۳۹۲)، نقاشی ایرانی نوشته شیلا کن‌بای (۱۳۹۲)، مروری بر نگارگری ایرانی از گرابر (۱۳۹۰)، کارگاه نگارگری اثر طاووسی (۱۳۹۰) و نگارگری و حامیان صفوی اثر ولش (۱۳۸۹)، به شرح مکتب تبریز عصر صفوی و شاهنامه تهماسبی پرداخته و به جایگاه ممتاز این مکتب و نسخه مزبور اذعان داشته‌اند؛ همچون منابع پیشین، هیچ‌یک به تصویرسازی سریرهای پادشاهی اشاره‌ای نکرده‌اند. به بیان دیگر، تمایز بارز این پژوهش با منابع موجود، مدنظر قراردادن مبحثی نوین در تصویرسازی با عنوان سریر پادشاهی است که با تمرکز بر شاهنامه تهماسبی، تنوع گونه‌های مصورسازی و تغییر رویکرد نگارگر را برحسب نوع روایت و شخصیت پادشاه مدنظر قرار می‌دهد. جهت انجام مطالعات این پژوهش، کتاب‌های شاهنامه هوتون (Dickson & Welch 1981)، کتاب شاهان: شاهنامه شاه‌تهماسب (Thames & Hudson 1972)، کتاب پادشاهان (Welch 1976) و شاهنامه تهماسبی (Canby 2014) منابع ارزشمندی جهت خوانش تصاویر سریر در شاهنامه تهماسبی، به شمار می‌روند.

مظفرعلی، میرسیدعلی، عبدالعزیز، شیخ محمد و خواجه عبدالصمد این صفحات را کشیده‌اند؛ اما تنها نام دو نقاش روی اثر نوشته شده: یکی میرمصور و دیگری دوست محمد. این نسخه علاوه بر نفاست و زیبایی، از این نظر اهمیت دارد که شاهی است بر کوشش نقاشان تبریز در ابداع شیوه جدید و اسلوب‌های خاص که به‌رغم ناهماهنگی کیفیت هنری آثار و به‌دلیل تعدد نقاشان، تداوم نقاشی اواخر سده نهم هجری قمری را می‌توان در آن‌ها بازشناخت (شاطری و احمد طجری ۱۳۹۶: ۶۱-۴۲). در حال حاضر ۱۱۸ نگاره از آن در ایران موجود است و مابقی در موزه‌های بزرگ دنیا پراکنده است (احمدی‌نیا ۱۳۹۳: ۴۲).

۲. سریر پادشاهی

در فرهنگ معین از سریر به معنای تخت پادشاهی، اورنگ، تخت و تخت سلطنت یاد شده است. طبق گفته حمزه اصفهانی سریر به معنی «تخت»، از ریشه اوستایی «سری» به معنی «تکیه‌دادن» و پسوند «ر» است. این لغت به زبان‌های اردو، ترکی و عثمانی راه یافته و در ترکی عثمانی «سریر آرا» به معنی آراینده تخت پادشاه به کار رفته است (کیا ۱۳۴۸: ۱۰۷). همچنین صادق کیا در کتابی با عنوان تاج و تخت، به پژوهشی درباره واژه‌های تاج یا تخت و واژه‌های فارسی دیگری که با آن دو هم‌معناست پرداخته است. او بیش از بیست واژه که هم‌معنا با تخت بوده را نام برده و توضیحی برای هر یک ارائه کرده است. کلمات آماج، آوند، ارشیا، اورنگ، برپهن، پات، پاد، تالار، تخت، جرد، چاربالش، چارگوشه یا چهارگوشه، سریر، سرینگاه، شادورد، غراورنگ، کت، کله‌زده، گاه، گرگر و گوپال، واژه‌هایی هستند که او در این پژوهش آورده است (کیا ۱۳۴۸: ۱۸۳-۶۱). آنچه در این پژوهش مدنظر است، تخت یا جایگاهی است که پادشاه یا شخصیت حاکم بر آن تکیه زده و بر این اساس، قدرت را در دست می‌گیرد؛ از همین‌رو، به‌عنوان نمادی از قدرت و منزلت او شناخته می‌شود. سریرهای مورد مطالعه دارای بخش‌های پایه، کف، تاج و دیواره هستند.

۳. روایت‌های متنی سریر پادشاهی در شاهنامه تهماسبی

از نمودهای فرّ در شاهنامه می‌توان به سریر یا تخت شاهی اشاره کرد (ماهوان ۱۳۹۴: ۱۳۹). «فر» یا همان «فره‌ی ایزدی»

یکی از ارکان مهم آیین پادشاهی است و لازمه قدرت و فرمانروایی؛ نمایانگر تأیید الهی است و مؤید مشروعیت حکومت. در ادب فارسی، به کرات از فر پادشاهان سخن به میان آمده است (سودآور ۱۳۸۳: پیشگفتار). فردوسی چنین روایت کرده است که نخستین کس که رسم فرمانروایی و داشتن تاج و تخت آورد، کیومرث بود و آخرین پادشاه یزدگرد، که چون بر سریر شاهی نشست و تاج بر سر خود نهاد خود را فرزند نوشیروان و شاه شاهزاده خواند و جویای رزم و مردانگی معرفی کرد (دبیرسیاکی ۱۳۸۰: ۵۵۲). بیشترین کاربرد واژه تخت در شاهنامه، به‌منظور اشاره به جایگاه سلطنت است. به‌طور کلی این واژه کنایه از پادشاهی است و حتی ممکن است گاهی همراه با دیگر عناصر نشان‌دهنده پادشاهی، مانند تاج، نگین، تیغ، مهر و کلاه به کار رود و یکی از نمودهای فرّ شاهانه محسوب می‌شود (ماهوان ۱۳۹۴: ۱۱۹). واژه‌های دیگری نیز در شاهنامه وجود دارد که معنی تخت پادشاهی را می‌رساند. پژوهش پیش‌رو در تلاش است تا توصیفات به‌کاررفته برای این واژه‌ها را نیز در نظر بگیرد. این واژه‌ها عبارت‌اند از: «سریر»، «گاه»، «مسند»، «کرسی»، «تخت» و «اورنگ». گاهی از واژه «گاه نشست» و یا «پیشگاه» نیز استفاده شده است.

سریر:

«به بیماری اندر بمرد اردشیر

همی بود بیکار تاج و سریر»

(خالقی مطلق ۱۳۷۵ ج ۵: ۴۸۷)

گاه:

«سکندر چو کرد اندر ایران‌نگاه

بدانست کو را شد آن تاج و «گاه»

(خالقی مطلق ۱۳۸۴ ج ۶: ۱۱)

مسند:

«نهالیش در زیر، دیبای زرد

پس پشت او «مسندی» لاژورد»

(خالقی مطلق ۱۳۸۶ ج ۸: ۳۳۰)

کرسی:

«گرانمایه شاه جهان کدخدای

به «کرسی» زرینش بر کرد جای»

(خالقی مطلق ۱۳۶۶ ج ۱: ۱۳۱)

سریرهای شناخته شده در شاهنامه فردسی

پیش از آنکه به معرفی و بررسی سریرهای موجود در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی بپردازیم، لازم است جایگاه این شیء برجسته را در روایت‌های ادبی شاهنامه مرور کنیم. در متن ادبی شاهنامه فردوسی به تنوعی از سریرهای پادشاهی با اسامی: تخت لاژورد، تخت پیروزه، تخت پرمایه، تخت عاج و ساج، تخت کیان، تخت مهی، گاه مهی، تخت شاهی، تخت شاهنشهی، تخت زرین اشاره شده است؛ لیکن سه تخت «طاقدیس»، «جمشید» و «کی کاووس»، به طور مفصل و با جزییات در متن شاهنامه توصیف شده که حاکی از اهمیت زیاد آن‌هاست. نکته بااهمیت آنکه، این سه سریر پادشاهی در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی نیز وجود دارند و مصادیق بصری آن‌ها موجود است (تصاویر ۱ تا ۳ و جدول ۱).

تخت:

«چو بنشست بر جایگاه مهی

چنین گفت بر «تخت» شاهنشهی»

(خالقی مطلق ۱۳۶۶ ج ۱: ۲۹)

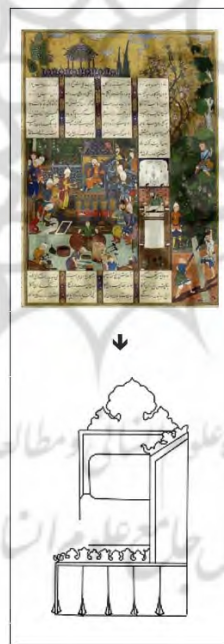
اورنگ:

«شما گرچه از گوهری دیگرید

همان تاج و «اورنگ» را درخوید

(خالقی مطلق ۱۳۶۶ ج ۱: ۲۴۲)

اغلب توصیف‌های به کاررفته در شاهنامه برای بیان تخت پادشاهی شامل این موارد است: تخت پیروزه (پیروزه، به رنگ نیل و درخشان)، ساخته شده از عاج، زرین و زبرجدنگار (آراسته به زبرجد). در این میان، تنها در توصیف تعداد اندکی از تخت‌های شاهنامه همچون تخت طاقدیس تأکید بیشتر شده است.



تصویر ۱: تخت طاقدیس تصویر (نگارندگان ۱۴۰۲) تصویر ۲: تخت جمشید (نگارندگان ۱۴۰۲) تصویر ۳: تخت کی کاووس (نگارندگان ۱۴۰۲)

به بندکشیدن ضحاک در دماوند، فرمان ساخت طاقدیس را داد. سازنده این تخت جهن‌برزین نام دارد. در توصیفات طاقدیس آمده که دورتادور آن را با گوهر تزیین کرده‌اند: «یکی مرد بُد در دماوندکوه که شاهش جدا داشتی از گروه کجا جهن‌برزین بُدی نامِ اوی رسیده به هر کشوری نامِ اوی

الف. تخت طاقدیس

ترکیبی از دو واژه طاق و دیس است. طاق در این نام معنای کروی از آن برداشت می‌شود و دیس پسوندی است که معنای «مانند»، «پوش»، «گون» می‌دهد. دلیل این نام‌گذاری، شکل کروی و طاق‌مانند آن است. فردوسی از بیت ۳۵۴۵ تا ۳۶۳۶؛ یعنی ۹۱ بیت راجع به این تخت سروده است (خالقی مطلق ۱۳۸۶ ج ۸: ۲۷۲-۲۸۱). براساس متن شاهنامه، فریدون پس از

یکی نامور شاه را تخت ساخت

گهر گردبرگرد او درنشاخت»

(خالقی مطلق ۱۳۸۶ ج ۸: ۲۷۳)

فردوسی در ادامه اشاره می‌کند فریدون تخت خود را همراه با گرزگاووس و کمر بند جواهر نشان، به فرزند خود، ایرج، پادشاه ایران داد. پس از قتل ایرج توسط برادرانش، این تخت به جانشین او؛ یعنی منوچهر رسید و از این پس، سیر تحول این تخت در دوره‌های مختلف پادشاهی آغاز می‌شود. فردوسی اشاره می‌کند که پس از منوچهر، هر پادشاه چیزی به تخت افزود. این تخت بعد از منوچهر، به نوذر، طهماسب، کیقباد و کیخسرو و کیخسرو رسید. در متن شاهنامه آمده که کیخسرو بیش از پادشاهان پیشین، به طاقدیس افزوده است (خالقی مطلق ۱۳۸۶ ج ۸: ۲۷۴):

«هر آنکس که او تاج شاهی بسود

بران تخت چیزی همی برفزود

چو آمد به کیخسرو نیک بخت

فراوان بیفزود بالای تخت»

پس از کیخسرو، تخت به لهراسب و پس از او به گشتاسب می‌رسد و جاماسب، وزیر دانای گشتاسب، طاق را به این تخت اضافه می‌کند و تصویر ماه و ستارگان را روی آن نقش می‌کند: «به جاماسب گفت ای گرانبایه مرد

فزونی چه داری برین کارکرد

یکایک ببین تا چه خواهی فزود

پس از مرگ ما را که خواهد ستود

چو جاماسب آن تخت را بنگرید

بدید از در گنج دانش کلید

برو بر شمار سپهر بلند

همی کرد پیدا چه و چون و چند

ز کیوان همه نقش ها تا به ماه

بران تخت کرد او به فرمان شاه»

(خالقی مطلق ۱۳۸۶ ج ۸: ۲۷۵)

پس از گشتاسب این تخت به بهمن و سپس به همای، داراب و دارا می‌رسد و آن‌ها طبق توصیف فردوسی، زر و سیم و عاج و شیز (آبنوس) به طاقدیس اضافه کردند:

«چنین تا به گاه سکندر رسید

ز شاهان هرآنکس که آن گاه دید

همی برفزودی برو چند چیز

ز زر و ز سیم و ز عاج و ز شیز»

(خالقی مطلق ۱۳۸۶ ج ۸: ۲۷۵)

و در انتها طاقدیس به دست اسکندر پاره می‌شود؛ اما قطعه‌های این تخت توسط بزرگان تا زمان پادشاهی خسرو پرویز محافظت می‌شود. او سعی می‌کند این تخت را شبیه به آنچه پیش از این بود، بازسازی کند. در مجموع سی و سه هزار و ششصد نفر طی ۲ سال روی بازسازی این تخت کار کردند. بنا به گفته فردوسی طاقدیس ۳۷۰ رش درازا، ۱۲۰ رش پهنا و ۴۵۰ رش بلندی داشته است. احتمالاً این تخت دویست و سی شش متر و هشتاد سانتی‌متر درازا، هفتاد و شش متر و هشتاد سانتی‌متر پهنا و دویست و هشتاد و هشت متر بلندی داشته است. فردوسی اشاره می‌کند که تخت چنان بلند بود که سر آن به آسمان می‌رسیده است (خالقی مطلق ۱۳۸۶ ج ۸: ۲۷۷):

«به رش بود بالاش صد شاه رش

چو هفتاد رش برنهی از برش

صدوبیست رش نیز پهناش بود

که پهناش کمتر ز بالاش بود

بلندیش پنجاه و صد شاه رش

چنان بُد که بر ابر سودی سرش

همان شاه‌رش هر رشی ز و سه رش

کران سر بدیدی بن کشورش»

پایه‌های این تخت چرخان بود و می‌شد با توجه به وضعیت آب و هوا آن را چرخاند. این تخت از دوازده لخت (بخش) ساخته شده و صد و چهل هزار بش (چفت) زر فیروزه‌کاری شده، بخش‌های آن را به هم وصل می‌کرد و میخ‌هایی که در این چفت‌ها به کار رفته بود، از نقره خام بود. در سرما و زمستان، آن را با پوست و خز می‌بستند. فردوسی اشاره دارد که فرشی با نقش ماه و ستاره، روی این تخت پهن بوده است. همچنین با توجه به ارزش این تخت در آیین «بار» (خالقی مطلق ۱۳۷۱)، دارای چندین بخش یا اشکوب بوده است. اشکوب لاجوردی برای مقامات و اشکوب فیروزه برای

او تختی زرین و محکم ساخت و فرمان داد چهار سوی تخت را نیزه ببندند و گوشت از آن‌ها بیاویزند و تخت را به عقاب‌ها ببندند. به این ترتیب عقاب‌ها برای خوردن گوشت، پرواز می‌کنند و چون به گوشت نمی‌رسند تا از آن تغذیه کنند، به پرواز ادامه می‌دهند و تخت را نیز با خود به پرواز درمی‌آوردند. در نهایت عقاب‌ها خسته می‌شوند و تخت پرنده کیکاووس در جنگل سقوط می‌کند و رستم به کمک او می‌رود. پس از بازگشت، نزد خدا توبه می‌کند و از بزرگان دلجویی می‌کند:

سر تخته‌ها را به زر سخت کرد
 به پهلوش بر نیزه‌های دراز
 بیست و بر آن‌گونه بر کرد ساز
 بیاویخت بر نیزه ران بره
 نبست اندر اندیشه دل یکسره
 وزان پس عقاب دلاور چهار
 بیاورد، بر تخت بست استوار
 نشست از بر تخت کاووس شاه
 که آهرمنش برده بد دل ز راه
 چو شد گرسنه تیزپران عقاب
 سوی گوشت کردند هریک شتاب
 ز روی زمین تخت برداشتند

ز هامون به ابر اندر افراشتند
 بدان حد که‌شان بود نیرو بجای
 سوی گوشت کردند آهنگ و رای
 شنیدم که کاوس شد بر فلک
 همی رفت تا بررسد بر ملک»
 (خالقی مطلق ۱۳۶۹ ج ۲: ۹۷)

۴. نقش سریر پادشاهان در شاهنامه شاه تهماسبی

مطالعه نگاره‌های شاهنامه تهماسبی نشان می‌دهد که نزدیک به هفتاد نقش سریر در این اثر فاخر وجود دارد؛ لیکن همه این سریرها، متعلق به پادشاهان نیستند. با توجه به هدف پژوهش حاضر که تمرکز بر نقش سریر پادشاهان است، ۵۵ سریر پادشاهی در شاهنامه تهماسبی موجود است که مورد ارزیابی قرار گرفت؛ از همین‌رو سریر قهرمانان دیگر مانند سام یا سیاوش از حوزه بررسی خارج شدند.

وزیر دربار بوده است. جایگاه پادشاه در قسمت زرین این تخت قرار دارد. در نهایت، عاقبت این تخت در شاهنامه مشخص نیست و به نظر می‌رسد توسط قیصر ویران شده باشد.

ب. تخت جمشید

این سریر، تختی است مربوط به دوران «پادشاهی جمشید». داستان این سریر این است که پس از طهمورث، جمشید که دارای فرّ ایزدی بود به تخت نشست. در دوره پادشاهی جمشید که ۳۰۰ سال طول کشید، علوم مختلف شکل گرفت و جوامع انسانی نظم به‌سزایی یافت. پس از سال‌ها، جمشید تختی بلند ساخت که با گوهر تزیین شد و توسط دیوان به هوا برده می‌شد. در نهایت جمشید دچار تکبر شد و ادعای خدایی کرد که به موجب آن، فرّ ایزدی از او جدا و توسط ضحاک کشته شد:

«به‌فر کیانی یکی تخت ساخت
 چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت
 که چون خواستی دیو برداشتی
 ز هامون به گردون برافراستی
 چو خورشید تابان میان هوا
 نشست بر شاه فرمانروا»
 (خالقی مطلق ۱۳۶۶ ج ۱: ۴۴)

ج. تخت کیکاووس

این تخت، به کاووس فرزند کیقباد نسبت داده شده که در شاهنامه پادشاهی تند، ناهوشیار و کم‌خرد توصیف شده است. روایت این سریر در شاهنامه بدین شرح است: کیکاووس دستور داد کاخی باشکوه از جواهر الوان و زر و سیم بسازند و در آن به عیش و طرب زیست. بعد از مدتی ابلیس بر او ظاهر شد و فکر پرواز در آسمان را در سر او پروراند. در نهایت کیکاووس چاره را در ساختن تختی همراه با عقاب‌های پرنده می‌بیند و دستور می‌دهد جوجه‌عقاب‌هایی قوی و نیرومند پرورش دهند:

«همی‌پرورانیدشان سال و ماه
 به مرغ و به گوشت بره چندگاه
 چو نیرو گرفتند هریک چو شیر
 بدانسان که مرد آوریدند زیر»
 (خالقی مطلق ۱۳۶۹ ج ۲: ۹۶)

جدول ۱: پراکندگی نقش سریر در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی (نگارندگان ۱۴۰۲)

ردیف	نام شخصیت	مصدق	روایت	مکان قرارگیری در شاهنامه	شماره تصویر
۱	پیامبر(ص) و علی(ع)	—	کشتی شیعی	ص ۲۶، ۱۸۷	تصویر ۴
۲	کیومرث	—	بارگاه کیومرث	ص ۲۷، ۲۰۷	تصویر ۵
۳	جمشید	تخت جمشید	بارگاه جمشید	ص ۳۱، ۲۴۷	تصویر ۶
۴	ضحاک	—	ضحاک دختر جمشید را ملاقات می‌کند	ص ۳۴، ۲۷۷	تصویر ۷
۵			تقدیر ضحاک به او گفته می‌شود	ص ۳۶، ۲۹۷	تصویر ۸
۶			کاوه طومار ضحاک را پاره می‌کند	ص ۳۸، ۳۱۷	تصویر ۹
۷	فریدون	طاقدیس	فریدون در کاخ ضحاک به تخت نشست	ص ۴۱، ۳۴۷	تصویر ۱۰
۸			جشن فریدون و کندرو	ص ۴۲، ۳۵۷	تصویر ۱۱
۹			فریدون ضحاک را به خاک می‌اندازد	ص ۴۳، ۳۶۷	تصویر ۱۲
۱۰			بارگاه فریدون	ص ۴۵، ۳۸۷	تصویر ۱۳
۱۱			فریدون پادشاهی خود را تقسیم می‌کند	ص ۵۰، ۴۳۷	تصویر ۱۴
۱۲			فریدون از سلم و تور پیامی دریافت می‌کند	ص ۵۱، ۴۴۷	تصویر ۱۵
۱۳			فریدون به تهدید سلم و تور پاسخ می‌دهد	ص ۵۲، ۴۵۷	تصویر ۱۶
۱۴			رسیدن سر تور به فریدون	ص ۶۳، ۵۶۷	تصویر ۱۷
۱۵			زاری فریدون	ص ۵۶، ۴۹۷	تصویر ۱۸
۱۶			رسیدن پیک سلم و تور به منوچهر و فریدون	ص ۵۸، ۵۱۷	تصویر ۱۹
۱۷	سرو	طاقدیس	پیک فریدون به شاه سرو: دیدار اول	ص ۴۶، ۳۹۷	تصویر ۲۰
۱۸			پیک فریدون به شاه سرو: دیدار دوم	ص ۴۷، ۴۰۷	تصویر ۲۱
۱۹			پسران فریدون با دختران شاه سرو	ص ۴۸، ۴۱۷	تصویر ۲۲
۲۰	منوچهر	طاقدیس	منوچهر در بارگاه فریدون	ص ۵۷، ۵۰۷	تصویر ۲۳
۲۱			برتخت‌نشستن منوچهر	ص ۶۷، ۶۰۷	تصویر ۲۴
۲۲			زال در مقابل منوچهر، سام و کارن	ص ۷۲، ۶۵۷	تصویر ۲۵
۲۳			خوش آمدگویی منوچهر به سام و دستور جنگ علیه مهرباب	ص ۸۶، ۸۰۷	تصویر ۲۶
۲۴			مردان خردمند شاه، ازدواج زال را تأیید می‌کنند	ص ۹۲، ۸۶۷	تصویر ۲۷
۲۵	زال اسرار روحانی را بیان می‌کند	ص ۹۳، ۸۷۷	تصویر ۲۸		
۲۶	نوذر	طاقدیس	شاه‌نوذر، سام را در آغوش می‌گیرد	ص ۹۶، ۹۶۷	تصویر ۲۹
۲۷	کیقباد	طاقدیس	رستم کیقباد را پیدا می‌کند	ص ۱۰۳، ۱۱۰۷	تصویر ۳۰
۲۸	کیکاووس	تخت کی‌کاووس	رستم شاه دیوان را برای اعدام نزد کی‌کاووس می‌برد	ص ۱۱۳، ۱۲۷۷	تصویر ۳۱
۲۹			کی‌کاووس به آسمان صعود می‌کند	ص ۱۱۵، ۱۳۴۷	تصویر ۳۲
۳۰			رستم مورد سرزنش کیکاووس قرار می‌گیرد	ص ۱۲۰، ۱۴۶۷	تصویر ۳۳
۳۱			سیاوش در مقابل کیکاووس توسط سودابه متهم می‌شود	ص ۱۲۵، ۱۶۳۷	تصویر ۳۴
۳۲			قضاوت برای دومین اتهام سودابه به سیاوش	ص ۱۲۶، ۱۶۴۷	تصویر ۳۵
۳۳			کیکاووس سیاوش را در نامه‌ای مؤاخذه می‌کند	ص ۱۳۱، ۱۷۴۷	تصویر ۳۶
۳۴			رستم کیکاووس را به‌خاطر کشتن سیاوش سرزنش می‌کند	ص ۱۴۶، ۲۰۲۷	تصویر ۳۷
۳۵			خوش آمدگویی کیکاووس به کیخسرو	ص ۱۵۴، ۲۱۸۷	تصویر ۳۸

ردیف	نام شخصیت	مصدق	روایت	مکان قرارگیری در شاهنامه	شماره تصویر
۳۶	کیخسرو	طاقدیس	ملاقات کیخسرو با پیک تسلیم‌شده تورانیان	ص ۲۰۵، 352r	تصویر ۳۹
۳۷			کیخسرو افراسیاب را به نام سیاوش می‌کشد	ص ۲۰۹، 383v	تصویر ۴۰
۳۸	خاقان چین	—	شنگل لشکر خاقان را برای جنگ با رستم فرامی‌خواند	ص ۱۸۳، 276v	تصویر ۴۱
۳۹			ملاقات پیران با خاقان چین	ص ۱۷۵، 261r	تصویر ۴۲
۴۰	جهن	—	جهن بر تخت توران می‌نشیند	ص ۲۱۰، 385v	تصویر ۴۳
۴۱	قیصر روم	—	گشتاسب‌کمانداری خود را درمقابل قیصر روم نشان می‌دهد	ص ۲۱۳، 404r	تصویر ۴۴
۴۲	گشتاسب	طاقدیس	جاماسب‌پیش‌بینی می‌کند فاجعه‌ای درانتظارگشتاسب است	ص ۲۱۶، 413r	تصویر ۴۵
۴۳	سلطان محمود غزنوی	طاقدیس	مدح فردوسی سالخورده از سلطان محمود	ص ۲۳۵، 513v	تصویر ۴۶
۴۴	شاپور ذوالاکتاف	طاقدیس	تاج‌گذاری شاپور دوم در نوزادی	ص ۲۴۱، 538r	تصویر ۴۷
۴۵	اردشیر برادر شاپور	طاقدیس	اردشیر دوم بر تخت می‌نشیند	ص ۲۴۳، 547r	تصویر ۴۸
۴۶	بهرام گور	طاقدیس	بهرام گور برای تخت سلطنت گفت‌وگو می‌کند	ص ۲۴۷، 555v	تصویر ۴۹
۴۷		طاقدیس	بهرام گور شیران را می‌کشد و بر تخت می‌نشیند	ص ۲۴۸، 557v	تصویر ۵۰
۴۸	یزدگرد فرزند بهرام	طاقدیس	یزدگرد دوم بر تخت می‌نشیند	ص ۲۵۵، 592r	تصویر ۵۱
۴۹	انوشیروان	طاقدیس	نوشیروان اصلاحاتش را رسماً اعلام می‌کند	ص ۲۵۷، 602v	تصویر ۵۲
۵۰		طاقدیس	بوزرجمهر در مجلس پنجم انوشیروان حضور می‌یابد	ص ۲۶۰، 622r	تصویر ۵۳
۵۱		طاقدیس	نوشیروان فرستاده شاه هند را ملاقات می‌کند	ص ۲۶۳، 638r	تصویر ۵۴
۵۲		طاقدیس	بوزرجمهر استاد بازی شطرنج هندی است	ص ۲۶۴، 639v	تصویر ۵۵
۵۳		طاقدیس	نوشیروان توصیه‌های خود را برای هورمزد ثبت می‌کند	ص ۲۶۷، 654r	تصویر ۵۶
۵۴		طاقدیس	نوشیروان به پرسش‌های ساحران پاسخ می‌گوید	ص ۲۶۸، 655v	تصویر ۵۷
۵۵		خسرو پرویز	طاقدیس	باربد، نوازنده پنهان	ص ۲۷۸، 731r

در ابتدای شاهنامه فردوسی، تصویری از پیامبر اسلام(ص)، (تصاویری که تشخیص تخت از ایوان یا فرش دشوار بود، نشسته در تخت شاهی نقش بسته است که با توجه به مرتبه والای ایشان که مافوق همه پادشاهان است، در جامعه بررسی قرار گرفت. لازم است انتخاب تصاویر، واضح بودن ظاهر کلی سریرهاست که در اکثر نگاره‌های شاهنامه تهماسبی این شرط وجود دارد



۸. سریر ضحاک (۲)



۷. سریر ضحاک (۱)



۶. سریر جمشید



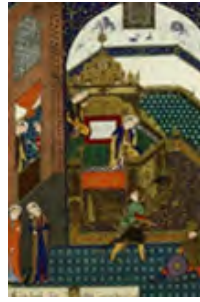
۵. سریر کیومرث



۴. سریر پیامبر(ص) و علی(ع)



۱۳. سریر فریدون (۴)



۱۲- سریر فریدون (۳)



۱۱. سریر فریدون (۲)



۱۰. سریر فریدون (۱)



۹. سریر ضحاک (۳)



۱۸. سریر فریدون (۹)



۱۷. سریر فریدون (۸)



۱۶. سریر فریدون (۷)



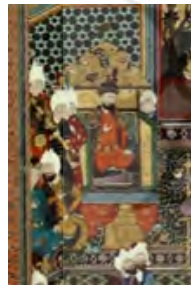
۱۵. سریر فریدون (۶)



۱۴. سریر فریدون (۵)



۲۳. سریر منوچهر (۱)



۲۲. سریر سرو (۳)



۲۱. سریر سرو (۲)



۲۰. سریر سرو (۱)



۱۹. سریر فریدون (۱۰)



۲۸. سریر منوچهر (۶)



۲۷. سریر منوچهر (۵)



۲۶. سریر منوچهر (۴)



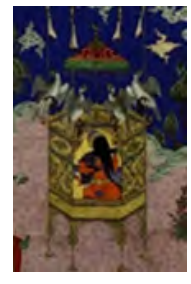
۲۵. سریر منوچهر (۳)



۲۴. سریر منوچهر (۲)



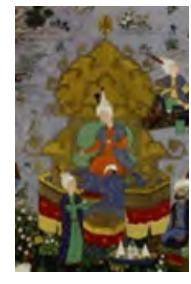
۳۳. سریر کیکاووس (۳)



۳۲. سریر کیکاووس (۲)



۳۱. سریر کیکاووس (۱)



۳۰. سریر کیقباد



۲۹. سریر نوذر



۳۸. سریر کیکاووس (۸)



۳۷. سریر کیکاووس (۷)



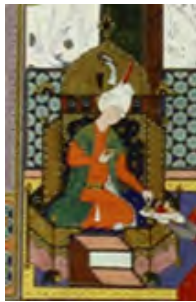
۳۶. سریر کیکاووس (۶)



۳۵. سریر کیکاووس (۵)



۳۴. سریر کیکاووس (۴)



۴۳. سریر جهن



۴۲. سریر خاقان چین (۲)



۴۱. سریر خاقان چین (۱)



۴۰. سریر کیخسرو (۲)



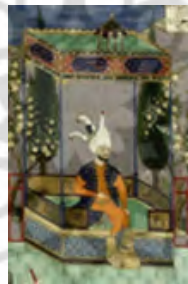
۳۹. سریر کیخسرو (۱)



۴۸. سریر اردشیر



۴۷. سریر شاپور ذوالاکتاف



۴۶. سریر سلطان محمود



۴۵. سریر گشتاسب



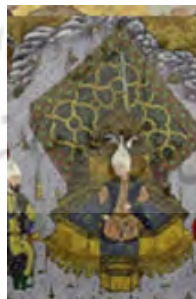
۴۴. سریر قیصر روم



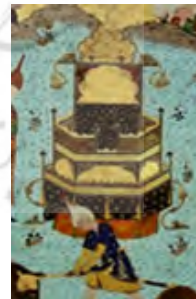
۵۳. سریر انوشیروان (۲)



۵۲. سریر انوشیروان (۱)



۵۱. سریر یزدگرد



۵۰. سریر بهرام گور (۲)



۴۹. سریر بهرام گور (۱)



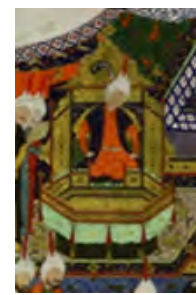
۵۸. سریر خسرو پرویز



۵۷. سریر انوشیروان (۶)



۵۶. سریر انوشیروان (۵)



۵۵. سریر انوشیروان (۴)



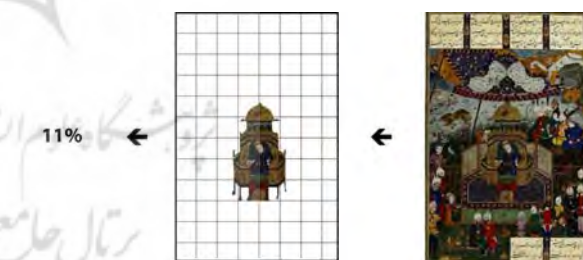
۵۴. سریر انوشیروان (۳)

۵. تحلیل یافته‌ها

با استناد به متن شاهنامه فردوسی، تخت‌های پادشاهی متعددی در روایات این شاهکار ادب فارسی وصف شده‌اند؛ اما سه نوع تخت پادشاهی به نام‌های: «طاقدیس»، «تخت جمشید» و «تخت کیکاووس» بیش از همه، دارای اهمیت است و توصیف دقیقی از هر کدام از این تخت‌ها در شاهنامه آمده است. نقوش سریر شناسایی شده در شاهنامه تهماسبی نیز، بیش از همه متعلق به همین سه تخت و بالاخص «طاقدیس» بوده‌اند؛ لیکن به‌طور عام، در تصویرسازی آن‌ها از متن ادبی تبعیت نشده است (جدول ۱).

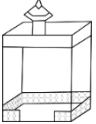
اهمیت سریر پادشاهی به دلیل جایگاه ممتاز آن در متن و تصویر و قدرت بالای آن در بیان فر و جایگاه اجتماعی شخصیت، مورد توجه ویژه نگارگران شاهنامه تهماسبی بوده و در ۵۵ نگاره مرتبط با روایات پادشاهان، تصویر شده است. محل قرارگیری این نقش در کادر تصویر در اغلب نگاره‌ها در مرکز توجه بوده و به‌طور میانگین حدود ۱۵ درصد فضای تصاویر را به خود اختصاص داده است. این درحالی است که در برخی سریرها همچون سریر منوچهر (۳) (تصویر ۲۸)، این میزان حدود ۶۰ درصد فضای تصویر بوده که نشان از توجه ویژه هنرمند به این پادشاه و به این شیء نمادین بارزش دارد که نشانی دارای اعتبار در حوزه سیاسی و فرهنگی به شمار می‌رفته است. کمترین میزان اشغال فضای تصویر به دو سریر کیومرث و خاقان چین (تصاویر ۵ و ۴۱) با ۵ درصد اختصاص دارد. به‌استثنای دو تصویر نخست که اولی فرمی ساده و مکعبی شکل را نمایان می‌کند (تصویر ۴) و دومی فرمی طبیعی برگرفته از شعله‌های آتش است (تصویر ۵)، بقیه موارد با فرم‌های هندسی و تزئینات اسلیمی و جزییاتی همچون تاج و نیم‌تاج، دیواره‌های مزین و پایه‌ها و دسته‌های بلند فاخر همراه هستند که تلاش هنرمند را در نمایش شکوه و جلال شاهانه‌ی سریرها نشان می‌دهد.

در این بخش، جهت تبیین ویژگی‌های فرمی نقش سریر، ابتدا فرم اصلی سریر به‌صورت خطی ترسیم شده است تا کیفیت ساختاری و تصویری آن بهتر درک شود؛ سپس این فرم، از حیث جایگاه قرارگیری و ابعاد آن در نگاره، عناصر فرمی و شناخت فضای سه‌بعدی مطالعه می‌شود. فرم‌های به‌کاررفته در تزئین و بازنمایی نقش سریر، در سه دسته هندسی، طبیعی و تلفیقی، تفکیک و بررسی و در نهایت جزییات تصویری سریرها تحلیل می‌شود. برای بررسی بهتر نمونه‌ها، هر نقش سریر، براساس پادشاه مرتبط به آن، طبقه‌بندی و بررسی می‌شود. برخی از پادشاهان با بیش از یک سریر در شاهنامه تهماسبی، تصویر شده‌اند که مجموع آن‌ها، ذیل نام همان پادشاه ارزیابی می‌شود. پس از نمایش طرح خطی سریر و تحلیل فرمی نمونه‌ها، تصویر سریر با متن شاهنامه، تطبیق و با هم مقایسه می‌شوند. اشعار نوشته‌شده در بالای تصویر هر سریر، براساس نسخه‌ی شاهنامه‌ی شاه تهماسب آورده شده است. درخصوص محل قرارگیری سریر و شناسایی میزان اشغال آن در فضای تصویر، از محیط گریدبندی شده در فرمان view/show/ Grids موجود در نرم‌افزار گرافیکی Adobe Photoshop استفاده شده است که با خوانش فضای شطرنجی اشغال شده، میزان فضای آن به درصد به دست می‌آید (تصویر ۵۹).



تصویر ۵۹: طریقه شناسایی میزان اشغال سریر فریدون (۶) در فضای تصویر شماره ۱۵ (نگارندگان ۱۴۰۲)

جدول ۲: همگامی نقش سریر پادشاهی با متن ادبی شاهنامه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

شماره تصویر	طرح خطی	نام سریر / پادشاه	محل قرارگیری	اشغال تصویر	شیوه بازنمایی	ارتباط نقش سریر با متن ادبی
۴		سریر پیامبر(ص) و حضرت علی(ع)	نقطه طلایی	حدود ۱۵٪	غلبه با فرم مکعب مستطیل، کاربرد نقوش هندسی، طراحی ساده، فاقد نمایش جزییات	در متن به سریر اشاره نشده است.

شماره تصویر	طرح خطی	نام سریر / پادشاه	محل قرارگیری	اشغال تصویر	شیوه بازنمایی	ارتباط نقش سریر با متن ادبی
۵		سریر کیومرث	مرکز و یکسوم بالای کادر	حدود ۵٪	فرمی شبیه به شعله نور، کاربرد فرم‌های گیاهی و طبیعی، با جزئیات زیاد	در متن اشاره شده که سریر کیومرث، همان کوه است.
۶		سریر جمشید	وسط، یکسوم چپ	حدود ۸٪	فرم مکعب مستطیل با دو دیواره، تنوع رنگی زیاد، نقوش طبیعی و اسلیمی و ختایی، دو دیو در بالا و پنج فیل در پایین	متن به تختی آراسته با گوهر اشاره دارد که دو دیو آن را به آسمان می‌برند و در نگاره هم تصویر دو دیو کنار تاج تخت دیده می‌شود.
۷		سریر ضحاک (۱)	مرکز	حدود ۱۴٪	فرم شش‌ضلعی با پشتی بلند، دارای نقوش اسلیمی و ختایی، با ساقه‌های پیچان و گل‌ها	تنها اشاره متن این است که ضحاک در ایوان است. در نگاره ضحاک را نشسته بر تختی در ایوان می‌بینیم.
۸		سریر ضحاک (۲)	وسط سمت چپ	حدود ۲۰٪	فرم شش‌ضلعی به سه دیواره کوتاه و سه دیواره بلند، دارای نقوش اسلیمی و ختایی، با گل‌ها و ساقه‌های پیچان	در متن به سریر اشاره نشده است.
۹		سریر ضحاک (۳)	وسط سمت چپ	حدود ۱۰٪	فرم کلی به نظر پنج‌ضلعی و کف مستطیل‌شکل، با پلکانی کوچک، دو دیواره کوتاه و پشتی بلند، دارای نقوش اسلیمی و ختایی مختلف	در متن از این سریر تحت عنوان تخت عاج یاد شده؛ اما تخت تصویرشده در نگاره، طلائی‌رنگ است و نشانه‌ای از تزئیناتی با عاج در آن دیده نمی‌شود.
۱۰		سریر فریدون (۱)	نقطه طلایی	حدود ۲۰٪	فرم احتمالاً شش‌ضلعی با دو دیواره و یک پشتی بلند، با پلکانی در زیر تخت، دارای نقوش هندسی غیرمنتظم و اسلیمی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۱۱		سریر فریدون (۲)	مرکز مایل به راست و پایین	حدود ۱۶٪	فرم کلی شش‌ضلعی، پایه بلند و دارای سه پله، همراه با نقوش اسلیمی و ختایی و خوش‌نویسی	این سریر در واقع همان سریر ضحاک است که فریدون بر آن نشسته؛ اما به تصاویر نگاره‌های ضحاک شباهتی ندارد.
۱۲		سریر فریدون (۳)	یکسوم چپ متمایل به پایین	حدود ۲۰٪	فرم اصلی شش‌ضلعی همراه با دوپله، پشتی بلند همراه با تاج، دیواره‌های اطراف که تا قسمت جلوی تخت و کنار پله‌ها ادامه دارند، نقوش اسلیمی و ختایی و خوش‌نویسی	در متن فقط به رنگ طلائی سریر اشاره شده که هماهنگ با تصویر نگاره است.
۱۳		سریر فریدون (۴)	یک سوم چپ	حدود ۱۷٪	طبقه اول شش‌ضلعی و طبقه دوم پشتی و دو دیواره بلند، دوپله، نقوش اسلیمی و ختایی که از بالای دیواره‌ها بیرون زده است.	در متن اشاره‌ای به نقش تخت نشده؛ فقط در مورد آراستن آن توسط فریدون صحبت شده است.

شماره تصویر	طرح خطی	نام سریر / پادشاه	محل قرارگیری	اشغال تصویر	شیوه بازنمایی	ارتباط نقش سریر با متن ادبی
۱۴		سریر فریدون (۵)	یک‌سوم چپ و پایین	حدود ۸٪	فرم مکعب مستطیل با سه دیواره به اندازه قامت نشسته شاه، پله و سقف مربعی که با ستون میله‌ای به تخت متصل است. تاج گنبدی در بالای سقف و نقوش اسلیمی و ختایی روی تاج و دیواره‌ها	در متن، فریدون بر تختی نشسته و همان را نیز برای فرزندش ایرج در نظر می‌گیرد و آن سریر همان تخت عاج است. در تصویر سریر ضحاک نیز، سریر به‌عنوان تخت عاج معرفی شده که این دو سریر هیچ شباهتی با یکدیگر ندارند؛ ولی در جای دیگر شاعر گفته سریری که فریدون برای ایرج در نظر گرفته، تخت زر است که با توجه به دیواره‌های طلایی این سریر، شباهتی بین متن و نقش به نظر می‌آید.
۱۵		سریر فریدون (۶)	مرکز	حدود ۱۱٪	فرم غالب شش‌ضلعی، دوطبقه، دو دیواره‌ی بلند، پستی دارای تاج و بلندتر از دیواره‌ها، نقوش اسلیمی و ختایی	در متن شعر، پیک سلم و تور در این لحظه با بارگاه بزرگ فریدون مواجه می‌شود و در تصویر نیز سریری بزرگ و مجلل با تاج یا سقفی گنبدی‌شکل نقش شده است که احتمال می‌رود همان تخت طاقدیس باشد.
۱۶		سریر فریدون (۷)	مرکز رو به پایین	حدود ۶٪	فرم مکعب مستطیل، کوچک و بدون دیواره بلند، تاجی به پهنای پستی سریر، دوپله، پایه‌دار، نقوش اسلیمی و ختایی روی تاج و پستی، نقوش اسلیمی و گیاهی و روی دیواره‌ها نقوش هندسی	متن شعر، ادامه داستان فرستاده سلم و تور نزد فریدون است که در نگاره قبل (سریر فریدون نمونه ۶) تصویر شده بود؛ ولی دو سریر متفاوت برای یک صحنه تصویر شده است. با اینکه نقش سریر در متن مشخص نشده؛ اما اندازه‌ی بزرگ سریر قبلی به متن نزدیک‌تر است.
۱۷		سریر فریدون (۸)	خط میانی تصویر	حدود ۵۰٪	فرم کلی شش‌ضلعی نامنتظم، سه ضلع پستی دارای دیواره‌ی نسبتاً بلند، سقف گنبدی‌شکل متصل شده با چهار میله به پستی، نقوش اسلیمی و ختایی روی تاج و فرش، نقوش هندسی روی پایه و دیواره‌ها	در متن اشاره‌ای به سریر نشده
۱۸		سریر فریدون (۹)	بالا سمت چپ	حدود ۱۲٪	فرم مکعب مستطیل، سه‌پله، پستی و قسمت پشت دیواره‌های جانبی بلند، تاج بزرگ، نقوش اسلیمی و ختایی	در متن فردوسی این سریر را تخت پیروز خوانده که فریدون برای ایرج آماده کرده است. تاجی هم روی تخت هست که در نگاره هم مشاهده می‌شود؛ اما سریر تخت، فیروزه‌ای نیست و به نظر تخت زر می‌رسد که با رنگ‌های لاجوردی و ارغوانی و نقش‌های اسلیمی و گیاهی تزئین شده است.
۱۹		سریر فریدون (۱۰)	یک‌سوم پایین سمت راست	حدود ۸٪	فرم شش‌ضلعی، تکیه‌گاه و نیمی از دو دیواره چپ و راست بلند، تاجی متوسط، نقوش منحنی و اسلیمی و ختایی	سریر در متن تخت پیروز، آراسته به دیبای چین است؛ اما در نگاره تخت زر نقش شده است.
۲۰		سریر سرو (۱)	سمت راست، یک‌سوم پایین	حدود ۸٪	سریر کوچک، فرم مکعب مستطیل، تاج متصل به پستی، سه‌پله، نقوش اسلیمی و ختایی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۲۱		سریر سرو (۲)	نقاط خطوط یک‌سوم افقی و عمودی، پایین سمت چپ	حدود ۹٪	سریر کوچک با فرم مکعب مستطیل، دیواره و پستی بلند، تاج روی پستی، نقوش اسلیمی و ختایی	در متن به سریر اشاره نشده است.

شماره تصویر	طرح خطی	نام سریر / پادشاه	محل قرارگیری	اشغال تصویر	شیوه بازنمایی	ارتباط نقش سریر با متن ادبی
۲۲		سریر سرو (۳)	یک‌سوم پایین سمت چپ	حدود ۶٪	فرم غالب مکعب مستطیل، پشتی و دیواره‌ها بلند، تاج نسبتاً بزرگ، سه‌پله، نقوش اسلیمی و ختایی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۲۳		سریر منوچهر (۱)	مرکز خط یک‌سوم چپ	حدود ۹٪	غلبه فرمی مکعب مستطیل، دیواره‌ها و پشتی بلند، تاج بزرگ متصل شده با پنج ستون باریک به پشتی، یکپله، نقوش اسلیمی و ختایی	سریر در متن تخت زر نامیده شده و در تصویر طلایی با طرح‌های گیاهی است.
۲۴		سریر منوچهر (۲)	یک‌سوم پایین سمت چپ	حدود ۱۲٪	غلبه فرم شش‌ضلعی، دیواره‌های کوتاه، پشتی برابر با قامت شاه، دوپله، تاج لاجوردی، نقوش اسلیمی و ختایی	شاعر این سریر را هم تخت عاج می‌نامد و هم تخت پیروزه؛ اما نقش سریر در نگاره، هیچ‌کدام از این دو نیست و تختی طلایی ترسیم شده است.
۲۵		سریر منوچهر (۳)	مرکز	حدود ۸٪	فرم مکعب مستطیل، دیواره‌های بلند، تاج یا سقفی طاقی شکل متصل شده با چهار ستون به سریر، دوپله، نقوش اسلیمی و ختایی روی تاج و نقوش هندسی روی دیواره‌ها	در این متن به تخت پیروزه اشاره شده که ظاهراً تختی با سقف طاقی شکل به رنگ لاجورد است. تخت تصویر شده در نگاره نیز سقفی گنبدی به رنگ لاجورد دارد.
۲۶		سریر منوچهر (۴)	وسط خط یک‌سوم سمت چپ	حدود ۶٪	فرم مکعب مستطیل، تکیه‌گاه کوتاه‌تر از قامت نشسته شاه، بدون دیواره، سه‌پله، نقوش اسلیمی و ختایی	طبق متن، این سریر که تخت عاج نامیده شده، به قدری بزرگ است که منوچهرشاه، سام را در کنار خود بر روی تخت بنشانند؛ اما تصویر سریر نگاره، یک تخت کوچک و ساده است که روی ایوان قرار گرفته و سام نیز در ایوان، مقابل شاه و روی زمین نشسته است.
۲۷		سریر منوچهر (۵)	وسط سمت چپ	حدود ۸٪	فرم غالب مکعب مستطیل، دیواره و تکیه‌گاه به بلندی قد نشسته شاه، یک تاج گنبدی شکل که به وسیله سطحی چهارگوش به تکیه‌گاه متصل است، کتیبه خوشنویسی شده در روی تاج، نقوش اسلیمی و ختایی	«تخت بلند» تنها توضیحی است که در متن دیده می‌شود و به نقش یا نام سریر اشاره نشده است.
۲۸		سریر منوچهر (۶)	مرکز	حدود ۶۰٪	غلبه فرمی شش‌ضلعی، دیواره‌های بلند، سقفی متصل با میله‌ها یا ستون‌هایی بلند به سریر، نقوش اسلیمی و ختایی روی تاج و نقوش هندسی روی بدنه‌ها	تخت عاج ظاهراً دارای سقفی لاجوردی است؛ در این صورت ارتباط متن و نقش می‌تواند این سقف لاجوردی باشد.
۲۹		سریر نوذر	سمت راست پایین	حدود ۱۱٪	فرم کلی شش‌ضلعی، با تاج یا سقف بلند، دیواره‌های کوتاه، پایه‌های بلند داسی‌شکل، نقوش منحنی روی تاج و نقوش اسلیمی و ختایی روی دیواره‌ها	تخت مهمی و تخت زر نامی است که برای سریر نوذر به کار رفته است. با این توصیف، زرین‌بودن تخت وجه تشابه متن و نگاره است.
۳۰		سریر کیقباد	نقطه طلایی، پایین سمت راست	حدود ۱۲٪	فرم کلی شش‌ضلعی، با تکیه‌گاه بلند و تاجدار، پلکان شش‌ضلعی و دارای نقوش اسلیمی و ختایی	متن اشاره به تختی زر و سایبانی بر سر کیقباد دارد؛ اما از آنجاکه به‌طور مستقیم اشاره نشده که این سایبان متعلق به تخت است یا می‌تواند درختی باشد که بر تخت سایه انداخته، تصویر سریر نقش شده در نگاره با متن مرتبط به نظر می‌رسد.

شماره تصویر	طرح خطی	نام سریر / پادشاه	محل قرارگیری	اشغال تصویر	شیوه بازنمایی	ارتباط نقش سریر با متن ادبی
۳۱		سریر کیکاووس (۱)	سمت چپ وسط	حدود ۱۱٪	غلبه فرم شش‌ضلعی همراه با تاجی کوچک، دارای دیواره‌های کوتاه خارجی و دیواره بلند داخلی، سه‌پله، نقوش منحنی، اسلیمی و ختایی، طبیعی و هندسی	هیچ سریری برای شاه در این صحنه توصیف نشده و فقط صحبت از سرایرده به میان آمده است. تصویرگر با تصور خود این سریر را ترسیم کرده است.
۳۲		سریر کیکاووس (۲)	مرکز	حدود ۲۰٪	فرم کلی شش‌ضلعی، تاجی متصل‌شده با سه میله به بدنه، چهارپایه نسبتاً بلند در تصویر دیده می‌شود و چهار نیزه متصل به سریر، نقوش منحنی، اسلیمی و ختایی	تختی ساخته‌شده از عود قماری که با زر سخت شده و سرنیزه‌هایی دراز به‌علاوه چهار عقاب بزرگ بر آن بسته شده است. این توصیفی است که در متن آمده و در تصویر هم مشابهش را می‌بینیم. این سریر همان سریر معروف کیکاووس است.
۳۳		سریر کیکاووس (۳)	وسط خط یک‌سوم پایین	حدود ۱۵٪	فرم غالب شش‌ضلعی، تکیه‌گاه بلند و دو دیواره پشتی نرده‌ای، تاج متوسط، یک‌پله، نقوش اسلیمی و ختایی پیچان	در متن به سریر اشاره نشده است.
۳۴		سریر کیکاووس (۴)	خط یک‌سوم پایین وسط مایل به چپ	حدود ۶٪	فرم شش‌ضلعی، بدون تکیه‌گاه، دیواره‌های کوتاه، دوپله، بدون نقوش تزئینی	سریر کی کاووس در اینجا طبق متن باید تخت زرین باشد؛ اما در تصویر تختی به رنگ لاجورد دیده می‌شود.
۳۵		سریر کیکاووس (۵)	خط یک‌سوم پایین سمت وسط مایل به چپ	حدود ۱۲٪	فرم غالب مکعب مستطیل، دیواره‌هایی برابر با قامت نشسته شاه، تاج بلند، نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی	این سریر که تخت کی‌ای یا تخت شاهنشاهی نامیده شده، همان تخت زر است. اگرچه تخت زر در هر کدام از نگاره‌ها به گونه‌ای متفاوت تصویر شده؛ اما در این تصویر که با رنگ غالب طلایی و تاج لاجوردی دیده می‌شود نیز می‌توان گفت بین متن و نقش ارتباط وجود دارد.
۳۶		سریر کیکاووس (۶)	مرکز	حدود ۱۵٪	غلبه فرم شش‌ضلعی، تخت دوبخشی، بلندی دیواره‌ها تا شانه قامت نشسته شاه، تاج نسبتاً متوسط، پایه‌دار، نقوش اسلیمی و ختایی، طبیعی و هندسی	در متن و نقش، تخت زرین وجود دارد.
۳۷		سریر کیکاووس (۷)	پایین سمت چپ	حدود ۱۱٪	فرم شش‌ضلعی، بدون تاج، دیواره‌هایی کوتاه‌تر از قامت نشسته شاه، پایه کوچک و نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی کم	در متن به سریر اشاره نشده است.
۳۸		سریر کیکاووس (۸)	وسط سمت راست	حدود ۱۱٪	فرم شش‌ضلعی، تاجی پشت سر افراد نشسته بر آن، دیواره‌های کوتاه، دوپله، پایه‌های کوتاه، نقوش اسلیمی و ختایی منظم، نقوش منحنی و طبیعی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۳۹		سریر کیخسرو (۱)	مرکز	حدود ۸٪	غلبه فرمی شش‌ضلعی، دیواره‌ها نسبتاً کوتاه، تاج توسط بخشی نرده‌ای شکل متصل به سریر، سکویی شش‌ضلعی در جلوی سریر، نقوش اسلیمی و ختایی روی سریر و به‌عنوان پایه‌های سکو	متن به تختی زرین آراسته به گوهر اشاره کرده و تصویر نگاره نیز تختی زرین است.

شماره تصویر	طرح خطی	نام سریر / پادشاه	محل قرارگیری	اشغال تصویر	شیوه بازنمایی	ارتباط نقش سریر با متن ادبی
۴۰		سریر کبخسرو (۲)	مرکز متمایل به بالا	حدود ۱۱٪	شش ضلعی منتظم، دوطبقه، دیواره‌های بلند داخلی و کوتاه خارجی، تاج یا سقف توسط چهار میله متصل به دیواره داخلی، پایه‌های طرح‌دار (در انتها حلزونی‌شکل)، با شکل کلی شبیه به سرو، نقوش اسلیمی و ختایی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۴۱		سریر خاقان چین (۱)	میانه سمت چپ	حدود ۵٪	فرم شش‌ضلعی، بدون تاج، سه دیواره بلند، چهار پایه قابل‌مشاهده با فرم اسلیمی و ختایی، تفاوت نشیمن از تکیه‌گاه مشخص نیست، نقوش هندسی روی دیواره‌ها	در متن به سریر اشاره نشده است.
۴۲		سریر خاقان چین (۲)	مرکز مایل به راست	حدود ۱۶٪	فرم غالب شش‌ضلعی، سه دیواره، چهارپایه با فرم گیاهی دیده می‌شود، دوپله، دو میله بلند در دو طرف، یک تاج یا گنبد بزرگ که با میله به دیواره متصل است، نقوش اسلیمی و ختایی	متن فقط به سراپرده اشاره کرده و در مورد تخت خاقان چیزی دیده نمی‌شود.
۴۳		سریر جهن	مرکز مایل به چپ	حدود ۱۱٪	فرم اصلی شش‌ضلعی، دو دیواره و تکیه‌گاه که تاج به آن متصل است، دوپله، نقوش هندسی، پایه‌هایی با فرم اسلیمی و ختایی	متن فقط به سراپرده‌های رنگارنگ با دیبای چینی اشاره کرده است.
۴۴		سریر قیصر روم	تقریباً وسط، متمایل به بالا	حدود ۱۶٪	فرم شش‌ضلعی، تکیه‌گاه و تاج متصل به یکدیگر، غیر از فرم‌های اسلیمی و ختایی پایه و تاج، از نقوش دیگر استفاده نشده است.	در متن به سریر اشاره نشده است.
۴۵		سریر گشتاسب	وسط مایل به راست	حدود ۱۱٪	فرم مکعب مستطیل، تکیه‌گاهی به اندازه‌ی قامت نشسته‌ی شاه، بدون دیواره، تاج با طرحی شبیه محراب که به تکیه‌گاه متصل است، یک سکو در جلوی سریر، پایه‌های کوچک، نقوش هندسی با کیفیت پایین بر بدنه تخت و مقداری نقوش اسلیمی و ختایی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۴۶		سریر سلطان محمود غزنوی	مرکز	حدود ۲۰٪	فرم مکعب مستطیل، سقفی که با چهار میله به بدنه متصل است، دیواره‌های کوتاه، یک‌پله و نقوش هندسی و اسلیمی و ختایی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۴۷		سریر شاپور ذوالاکتاف	وسط سمت چپ	حدود ۲۰٪	فرم غالب شش‌ضلعی، تکیه‌گاه بسیار بلند با ترکیب رنگ‌های لاجوردی، طلایی و قرمز، دوبخشی، دارای تاجی بزرگ و دیواره‌های کوتاه، دارای جزئیات بسیار زیاد و نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی	در متن هیچ اشاره‌ای به نقش سریر نشده به جز تخت پیروزه، در تصویر سریری ساده دیده می‌شود که فرش و سقف آن فیروزه‌ای‌رنگ است و نقشی ساده دارد.
۴۸		سریر اردشیر برادر شاپور	مرکز	حدود ۱۳٪	فرم غالب شش‌ضلعی، دو دیواره و تکیه‌گاهی هم‌قد شاه، تاجی بزرگ، چهارپله، پایه‌هایی با فرم گیاهی، نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی	در متن و نقش تخت زرین دیده می‌شود.
۴۹		سریر بهرام گور (۱)	مرکز	حدود ۲۲٪	فرم شش‌ضلعی، دیواره‌های کوتاه و تکیه‌گاه هم‌قد شاه، تاجی بزرگ و محراب‌شکل با فرم و طرح‌های گیاهی متصل به تکیه‌گاه، چهار پایه قابل مشاهده، دوپله، نقوش اسلیمی و ختایی پیچان و طرح گل‌های پراکنده	تخت عاج نام سریری است که در متن آمده و از آن انتظار رنگ سفید می‌رود؛ اما در نگاره نقش دیگری دیده می‌شود.

شماره تصویر	طرح خطی	نام سریر / پادشاه	محل قرارگیری	اشغال تصویر	شیوه بازنمایی	ارتباط نقش سریر با متن ادبی
۵۰		سریر بهرام گور (۲)	تقریباً وسط مایل به چپ	حدود ۱۶٪	فرم غالب شش ضلعی، دوبخشی، دیواره‌های کوتاه و تکیه‌گاه بلند، تاج بالای تکیه‌گه متصل است، دو فرم گیاهی از کنار تاج و بالای تکیه‌گاه بیرون زده، دو فرم گیاهی پیچان هم در کناره‌های تخت هستند، نقوش اسلیمی و ختایی پیچان و گل‌های پراکنده	بهرام پس از کشتن شیرتن بر تخت عاج می‌نشیند؛ اما نگارگر تصویری دیگر داشته است و تخت را زرین رسم کرده است.
۵۱		سریر یزدگرد فرزند بهرام	تقریباً وسط مایل به راست	حدود ۲۰٪	فرم شش ضلعی، تکیه‌گاهی به اندازه قامت شاه، با دیواره‌های کوتاه و تاجی طلایی‌رنگ، یک پله شش ضلعی، چهار عدد پایه که مشهودند، نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی	تخت عاج را به یزدگرد می‌دهند؛ اما تصویرگر تخت زر برایش تصویر کرده است.
۵۲		سریر انوشیروان (۱)	چپ تصویر	حدود ۲۰٪	فرم کلی مکعب مستطیل، یک پله، دیواره‌های کوتاه که با چهار میله بلند به سقف متصلند، نقوش تلفیقی، دیواره‌ها و پایه دارای نقوش هندسی، سقف دارای نقوش اسلیمی و ختایی	انوشیروان بر تخت عاج می‌نشیند؛ اما در تصویر بر تختی به رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی نشسته است.
۵۳		سریر انوشیروان (۲)	مرکز	حدود ۱۶٪	غلبه فرم شش ضلعی، تکیه‌گاه به اندازه قامت نشسته شاه، تاج لاجوردی با پایه بلند متصل به تکیه‌گاه، دوپله، دیواره‌های خارجی کوتاه و داخلی بلند، چهار پایه نسبتاً بلند، نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی	تخت زرین نگاره ارتباطی با تخت عاج که در متن آمده است، ندارد.
۵۴		سریر انوشیروان (۳)	راست تصویر	حدود ۸٪	فرم شش ضلعی، تاج بلند و طلایی آن به تکیه‌گاه بلند سریر متصل است، دو دیواره عقبی به بلندی قامت نشسته شاه و دیواره‌های جلویی کوتاهند، پایه‌های بلند و سه پله، نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی	در متن شاه بر تخت عاج نشسته؛ اما در تصویر این گونه نیست.
۵۵		سریر انوشیروان (۴)	بالا سمت چپ	حدود ۱۳٪	غلبه فرم شش ضلعی، تاج طلایی متصل به تکیه‌گاه، تکیه‌گاه و دیواره‌های خلفی بلند، نشیمن به نظر دوبخشی می‌رسد، دیواره‌های بخش جلویی کوتاهند، نقوش و فرم‌های اسلیمی و ختایی و طبیعی	تصویر با تخت عاج که در متن آمده ارتباطی ندارد.
۵۶		سریر انوشیروان-۵	وسط پایین	حدود ۱۰٪	فرم غالب شش ضلعی، تاج طلایی، تکیه‌گاه بلند، دیواره‌ها کوتاه‌تر از تکیه‌گاه، دوپله، نقوش هندسی روی دیواره و نقوش اسلیمی و ختایی روی تاج	در متن به سریر اشاره نشده است.
۵۷		سریر انوشیروان (۶)	وسط سمت چپ	حدود ۱۵٪	غلبه فرمی شش ضلعی، تاج لاجوردی، تکیه‌گاه بلند، بلندی دیواره‌ها نصف تکیه‌گاه، یک پله، نقوش اسلیمی و ختایی و طبیعی	در متن به سریر اشاره نشده است.
۵۸		سریر خسرو پرویز	مرکز	حدود ۶٪	غلبه فرم مکعب مستطیل، سقف آبی با چهار میله متصل به تخت، دوپله، یک تاج گنبدی شکل روی سقف، نقوش هندسی روی سقف و نقوش اسلیمی و ختایی روی تاج و دیواره‌ها	در متن به سریر اشاره نشده است.

نمی‌شود و هنرمند از تخیل خود برای بازنمایی سریر بهره گرفته است. ذکر این نکته لازم است که در برخی نگاره‌ها هیچ توصیفی

در تبیین میزان همگامی متن و تصویر سریرها، باید ادعان داشت که در اغلب نقوش ارتباط مستقیمی با روایت دیده

و همگامی متن و تصویر مورد ارزیابی قرار گرفت. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در تحلیل وجوه بصری نقش سریر پادشاهی در شاهنامه شاه‌تهماسبی مشهود است، عبارت‌اند از:

- نقوش سریرها با توجه به مرتبه و جایگاه پادشاهان ترسیم شده و به همین دلیل، تنوع و تفاوت سریرها با یکدیگر ویژگی مهمی است که در ۵۵ نمونه موجود از ۲۲ شاه مختلف قابل تشخیص است.

- فرم کلی سریرها، مکعب مستطیل و یا شش‌ضلعی است و با کیفیت‌ترین آن‌ها مربوط به فریدون و شاپور ذوالاکتاف است.

- گوناگونی فرم و ترکیب‌بندی قرینه، با غلبه نقش‌مایه‌های تزئینی، از ویژگی‌های غالب نقش سریر پادشاهی در شاهنامه تهماسبی است.

- در شیوه بازنمایی نقش سریر پادشاهی تنوع قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد که این امر بر مبنای شواهد موجود از تفاوت‌های موجود در شرح و توصیف پادشاهان در متن ادبی شاهنامه نشأت می‌گیرد.

- توصیفات متنی شاهنامه، نشانگر برتری ۳ تخت «طاقدیس»، «تخت جمشید» و «تخت کیکاووس» به‌عنوان شاخص‌ترین سریرهای شاهنامه بودند. این سریرها در متن ادبی شاهنامه دارای توصیف کامل هستند؛ اما بازتاب این توصیفات جز در نمونه تخت کیکاووس، در تصاویر دیده نمی‌شود.

- با توجه به فرم کلی مشترک، این سریرها در جزئیات با هم متفاوت هستند. با اینکه برای برخی از پادشاهان حتی بیشتر از ۵ تخت تصویر شده است؛ اما حتی دو تخت آن‌ها مثل هم نیستند.

- بیشتر این تخت‌ها دارای نقوش طبیعی است و در تعدادی از آن‌ها نقوش هندسی دیده می‌شود.

- کیفیت اجرایی این تخت‌ها با هم متفاوت است؛ تا جایی که گاه برای پادشاهان بزرگ اجرای متوسط نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد تفاوت کیفیت اجرایی این تخت‌ها به‌خاطر تفاوت نگارگران باشد، نه اهمیت پادشاهان.

- رنگ‌های غالب به‌کاررفته در تخت‌ها طلایی، لاجوردی و فیروزه‌ای است.

- تخت‌ها با ابعاد و اندازه‌های مختلف و در جاهای متفاوت

از سریر در متن وجود ندارد؛ اما هنرمند برای تأکید بر جایگاه پادشاه، او را تکیه‌زده بر سریر ترسیم کرده است. مهم‌ترین نقوشی که در آن‌ها ارتباط متن و تصویر مشهود است؛ عبارت‌اند از: سریر جمشید (تصویر ۶)، سریرهای فریدون (تصاویر ۱۲ و ۱۴)، سریر منوچهر (تصویر ۲۵)، سریر نوذر (تصویر ۲۹)، سریر کیقباد (تصویر ۳۰) و سریرهای کیکاووس (تصاویر ۳۲ و ۳۵). یافته‌های نهایی، مبین این نکات هستند که در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی، تصویر پادشاهان، با توجه به مرتبه و جایگاهشان، با سریرها و جزئیات متفاوت ترسیم شده‌اند؛ برای مثال تخت‌های فریدون که از پادشاهان بلندمرتبه شاهنامه محسوب می‌شود، با دو فرم کلی مکعب مستطیل و شش‌ضلعی با کیفیت اجرایی متفاوت تصویر شده‌اند. با کیفیت‌ترین سریر شاهنامه تهماسبی، مربوط به فریدون و شاپور ذوالاکتاف است. رنگ غالب این دو سریر لاجوردی و دارای نقوش طبیعی است. بیشترین تأثیر متن روی تصاویر در سریر کیکاووس دیده می‌شود. فرم کلی سریرها که به در نظر نگرفتن محتوا و ایده‌های اجرایی اشاره دارد، دارای دو فرم کلی شش‌ضلعی و مکعب مستطیل است. برخی از این تخت‌های شش‌ضلعی، حالت دو طبقه دارد که اغلب قسمت بالایی دارای دیواره‌های بلند است. با توجه به دسته‌بندی اطلاعات در جدول ۲، مشخص است که نگارگران شاهنامه تهماسبی برای اکثر طراحی‌های خود توجه چندانی به متن نداشته و از تخیل خود برای نگارگری استفاده کرده‌اند؛ تا جایی که سریری مانند تخت طاقدیس را که بخشی از شاهنامه به توصیف دقیق جزئیات آن می‌گذرد، مورد توجه قرار نداده‌اند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی ویژگی‌های بصری نقوش سریر پادشاهی در شاهنامه تهماسبی و تبیین میزان همگامی تصویر با متن، در پنج بخش اصلی به انجام رسید. در بخش‌های مقدماتی، به معرفی شاهنامه تهماسبی، توصیف سریر پادشاهی و روایت‌های متنی سریر پادشاهی در شاهنامه تهماسبی پرداخته شد و نمونه‌های عینی توصیفات متنی در نقوش سریر در نگاره‌ها معرفی گردید. پس از آن، شناسایی و تحلیل نقوش سریر پادشاهی در نگاره‌های شاهنامه شاه‌تهماسبی انجام شد

و هشتم. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- دبیرسیاقی، سیدمحمد (۱۳۸۰). *برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به نثر، تهران: قطره.*

- رضایی جواهری، سیده‌پریسا (۱۳۹۳). *بررسی تطبیقی ویژگی‌های هنری بین مبلمان سنتی (با تأکید بر صفویه) و مبلمان فرنگی (دوران قاجار).* تهران: دانشکده هنر و معماری دانشگاه پیام‌نور.

- سودآور، ابولعلا (۱۳۸۳). *فره‌ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان.* هوستون: تامسون- شور.

- شاطری، میترا؛ احمد طجری، پروانه (۱۳۹۶). «مطالعه تأثیرپذیری نگاره‌های شاهنامه طهماسبی از تغییرمذهب در دوره صفوی». *نگره، شماره ۴۲، صص. ۴۱-۴۷.*

- صداقت، فاطمه (پاییز و زمستان ۱۳۸۵). «شاهنامه شاه‌تهماسبی شاهکار مصورسازی مکتب تبریز». *هنر و معماری، شماره ۵، صص. ۳۰-۱۸.*

- طاووسی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *کارگاه نگارگری.* چاپ دوم، تهران: ناشر شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- کن‌بای، شیلا (۱۳۷۹). *نقاشی ایرانی.* مترجم: مهدی حسینی، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه هنر.

- کیا، صادق (۱۳۴۸). *تاج و تخت.* تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

- گرابر، اولگ (۱۳۹۰). *مروری بر نگارگری ایرانی.* مترجم: مهرداد وحدتی، چاپ دوم، تهران: متن.

- ماهوان، فاطمه (۱۳۹۴). «بررسی نمادهای تصویری فر (با تأکید بر نگاره‌های شاهنامه)». *پژوهشنامه ادب حماسی، شماره ۱۹، صص. ۱۵۷-۱۱۹.*

- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی.* تهران: هنرور.

- نیک‌روز، یوسف؛ احمدیانی، محمدهادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «شیوه‌های شخصیت‌پردازی در شاهنامه فردوسی». *پژوهشنامه ادب حماسی، شماره ۱۸، صص. ۱۹۱-۱۷۳.*

- یزدان‌پناه، مریم؛ حاتم، غلامعلی؛ سلطانی، سیدحسن (۱۳۸۹). *بررسی مکتب نگاری تبریز دوره صفوی با استفاده از نگاره‌های شاهنامه شاه‌تهماسب.* کتاب ماه هنر، مرداد (۱۴۳)، ۶۸-۷۷.

- ولش، آنتونی (۱۳۸۹). *نگارگری و حامیان صفوی.* ترجمه روح الله رجیبی. چاپ دوم. تهران: فرهنگستان هنر.

تصویر، طراحی شده‌اند؛ ولی تمام این تخت‌ها در مرکز توجه هستند. به جای گذاری این تخت‌ها توجه شده و تعداد زیادی از آن‌ها روی خطوط یا نقاط طلایی قرار دارند.

- سخن آخر آنکه، نگارگران شاهنامه تهماسبی در اکثر ایده‌پردازی‌های خود برای نقوش سریر پادشاهی، توجه دقیقی به متن نداشته و از تصور خود برای نگارگری استفاده کرده‌اند؛ تا جایی که سریری مانند تخت طاقدیس را که بخشی از شاهنامه به توصیف دقیق آن می‌گذرد و اذعان شده که از زمان پادشاهی فریدون ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گرفته است، مورد توجه قرار نداده‌اند.

منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۹۲). *نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران).* تهران: سمت.

- احمدی، هاجر (۱۳۹۴). *تحلیل نشانه معنانشناختی جایگاه سریر در نگاره‌های ایرانی دوران اسلامی و ارتباط آن با مبلمان معاصر.* اصفهان: دانشکده هنر و ادیان دانشگاه اصفهان.

- احمدی‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۳). «نگاره‌های شاهنامه طهماسبی: از هاروارد تا فرهنگستان هنر». *نقد کتاب هنر، شماره ۱ و ۲، صص. ۵۴-۳۷.*

- پاکباز، رویین (۱۳۹۲). *نقاشی ایران (از دیرباز تا امروز).* چاپ یازدهم، تهران: زرین و سیمین.

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۶). *شاهنامه فردوسی.* جلد یکم، نیویورک: Bibliotheca Persica

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۹). *شاهنامه فردوسی.* جلد دوم، کالیفرنیا و نیویورک: Bibliotheca Persica

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۱). *شاهنامه فردوسی.* جلد سوم، کالیفرنیا و نیویورک: بنیاد میراث ایران.

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۳). *شاهنامه فردوسی.* جلد چهارم، کالیفرنیا و نیویورک: بنیاد میراث ایران.

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۵). *شاهنامه فردوسی.* جلد پنجم، کالیفرنیا و نیویورک: مزدا با همکاری بنیاد میراث ایران.

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۴). *شاهنامه فردوسی.* جلد ششم، نیویورک: بنیاد میراث ایران.

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶). *شاهنامه فردوسی.* جلد هفتم

- Canby, Sheila R. (2014). The Shahnama of Shah Tahmasp (The Persian Book of King. Spain & N.Y: The Metropolitan Museum of Art.
- Encyclopedia Britannica. (1991). Vol.9, Hay Cock Press.
- Oxford Advanced Learner's Dictionary. (2007). Oxford University Press.
- Welch, Stuart Cary (1976). A Kings Book of Kings: The Shahnameh of Shah Tahmasp. Switzerland: Imprimeries Reunies Lausanne.
- Welch, Stuart Cary & Dickson, Martin Bernard (1981), Houghton Shahnameh: The Shahnameh of Shah Tahmasb Safavi, Harvard University Press; Facsimile Ed edition.



Analysis of the visual features of the king's throne in the illustrations of the Shahnameh of Shah Tahmasp

Farzaneh Farrokhfar¹, Layla Mirshahi²

1- Associate Professor, Department of Art Studies, Faculty of Arts, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran.
(Corresponding Author)

2- Master's degree, Department of Art Studies, Faculty of Arts, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran.

DOI: 10.22077/NIA.2024.6266.1719

Abstract

The theme of kings sitting on the throne, due to its special narrative and visual appeal, has been the focus of painters in most of Iran's illustrated Shahnamehs and has been depicted with various qualities. Among the illustrated Shahnamehs, Shahnameh of Tahmasp is one of the most important versions that has paid special attention to the illustration of this assembly and has made good use of the king's throne as a symbol of power and a special visual element in explaining the position of the king. In this Shahnameh, the images of kings enthronement are depicted with many and varied thrones. In addition, the excellent quality and access to all the illustrations of this edition highlight the importance of choosing this Shahnameh for the visual identification and analysis of the motifs of the kings' heads.

The main question is: What characteristics are evident in the analysis of the visual aspects of the king's throne in the Shahnameh of Shah Tahmasp? And to what extent did the painters of the Shahnameh, Tahmasbi, pay attention to the literary text of the Shahnameh in representing the king's role and show the king's status and social class?

The results show that the diversity of the form and composition of Karina, with the predominance of decorative motifs, is one of the main features of the king's thrones motifs in Tahmasbi Shahnameh. There is considerable variation in the way the throne is represented that is based on the available evidence from the difference in the description of the kings in the literary text of the Shahnameh. Although in most cases there is no description of the king's throne in the text and the artist has drawn it with his imagination.

Key words: Safavid era, Tabriz school of painting, Tahmasabi's Shahnameh, king's throne.

1- Email: farrokhfar@neyshabur.ac.ir

2- Email: layla.mirshahi@gmail.com